

مقام صالح در طرح دعاوی از سوی شرکت های تعاونی

تعریف شرکت های تعاونی:

شرکت تعاونی به شرکتی گفته می شود که به منظور تولید و توزیع در شهر و روستا مطابق ضوابط اسلامی (۱) در جهت اشتغال و قرار گرفتن امکانات کار در اختیار کسانی که قادر به کار هستند؛ اما وسایل کار را در اختیار ندارند و نیز اختصاص یافتن مدیریت و سرمایه و منافع حاصل شده به نیروی کار، بهره برداری مستقیم آنها از نتیجه و حاصل این تلاش ها و سرانجام توسعه و تحکیم مشارکت و تعاون عمومی تأسیس می شود (۲) تا از تمرکز ثروت در دست اشخاص خاص و کارفرمای مطلق شدن دولت جلوگیری به عمل آید. شرکت ها و اتحادیه های تعاونی دارای شخصیت حقوقی مستقل هستند و عضو در شرکت تعاونی شخصی است حقیقی یا حقوقی (۳)

مجمع عمومی، هیأت مدیره و بازرس، ارکان تعاونی (۴) را تشکیل می دهند.

مجمع عمومی:

بالاترین مرجع اتخاذ تصمیم و نظارت بر امور شرکت های تعاونی مجمع عمومی است و از اجتماع اعضای تعاونی یا نمایندگان تام الاختیار آنها به صورت عادی و فوق العاده تشکیل می شود. هر عضو بدون در نظر گرفتن میزان سهم تنها یک حق رأی دارد و حدود

اختیارات و وظایف در مواد ۳۴ و ۳۵ قانون بخش تعاونی اقتصاد به تفصیل بیان شده است. (۵)

هیأت مدیره (۶):

اداره امور تعاونی مطابق اساسنامه برعهده هیأت مدیره‌ای مرکب از حداقل ۳ و حداکثر ۷ عضو اصلی و تا یک سوم اعضای اصلی و علی‌البدل می‌باشد که از میان اعضا برای مدت ۳ سال و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند.

وظایف و حدود اختیارات هیأت مدیره به صورت مشروح در ماده ۳۷ قانون بخش تعاونی بیان شده است. برابر بند ۹ ماده مذکور «تعیین نماینده یا وکیل در دادگاه‌ها و مراجع قانونی و سایر سازمان‌ها با حق توکیل به غیر برعهده هیأت مدیره است.» اعضای هیأت مدیره وظایف خود را به صورت جمعی انجام می‌دهند و هیچ یک از آنها حق ندارد از اختیارات هیأت به صورت فردی استفاده کند؛ مگر در موارد خاص و در صورتی که مجوز و کالت یا نمایندگی کتبی از طرف هیأت مدیره داشته باشد.

هیأت مدیره می‌تواند قسمتی از اختیارات خود را با اکثریت سه چهارم آرا به مدیر عامل تفویض نماید. این ماده دارای ۲ فرض است:

۱- تعیین نماینده یا وکیل در مراجع غیرقضایی با حق توکیل به غیر: برابر مقررات هیأت مدیره می تواند قسمتی از اختیارات خود را تفویض نماید و مدیرعامل به نیابت از هیأت مدیره برابر وکالت نامه اقدام کند.

۲- تعیین نماینده یا انتخاب وکیل در مراجع قضایی و دادگاه ها.

تعیین نماینده حقوقی در مراجع قضایی:

همان گونه که از اصل ۴۴ قانون اساسی استنباط می شود، شرکت تعاونی مستقل از دولت بوده و شخصیتی جدا از شرکت های خصوصی دارد و دارای عنوانی خاص است که با اهداف مشخص و معین مطابق قانون بخش تعاونی اقتصاد تأسیس و اداره می شود. در ماده ۸ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی مصوب ۱۳ شهریور ۱۳۷۰ و اصلاحی آن در این رابطه مقرر است: «عضو در شرکت های تعاونی شخصی است حقیقی یا حقوقی غیردولتی که واجد شرایط مندرج در این قانون بوده و ملتزم به اهداف بخش تعاونی و اساسنامه قانونی آن تعاونی باشد.» براساس این ماده هیچ شبهه ای در غیردولتی بودن شرکت تعاونی وجود ندارد. از سوی دیگر تعاونی یک مؤسسه عمومی غیردولتی نیز تلقی نمی شود؛ زیرا توسط اشخاصی معین و برای کسب منافع گروهی خاص با اعضای مشخص تأسیس می گردد و یک اجتماع عام المنفعه نمی باشد. از این روست که تعاونی ها نمی توانند از

مزایای مندرج در ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی استفاده کرده و نماینده حقوقی داشته باشند. وکالت در دادگستری مطابق قانون وکالت مصوب ۲۵ بهمن ۱۳۱۵ و آیین نامه اجرایی آن مصوب ۱۹ خرداد ۱۳۱۶ مستلزم داشتن پروانه وکالت بوده و در نتیجه تنها اشخاصی که دارای چنین پروانه وکالتی هستند و تحت شرایط خاصی می توانند آن را تحصیل نمایند، حق دارند که در دادگستری وکالت نمایند. مصوبه ۱۱ مهر ۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا_ که حق انتخاب وکیل را برای آنها مقرر داشته است_ یک قانون عام محسوب می شود و ناسخ قانون وکالت مصوب ۲۵ بهمن ۱۳۱۵ که قانونی خاص می باشد، نیست. در نتیجه قانون وکالت مذکور و آیین نامه اجرایی آن هنوز به قوت و اعتبار خود باقی بوده و لازم الاجراست. ماده ۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی نیز مؤید همین مطلب است و براساس آن تنها کسانی حق دارند در دادگستری وکالت نمایند که دارای پروانه مخصوص وکالت در دادگستری باشند. بنابراین هیأت مدیره برای طرح و دفاع از دعاوی خود حق انتخاب وکیل دادگستری را دارد و غیر از وکلای دادگستری، اشخاص فاقد صلاحیت حق حضور و دفاع از دعاوی له و علیه شرکت تعاونی را نخواهند داشت. در این خصوص شعبه سوم دیوان عالی کشور برابر دادنامه شماره ۲۵ مورخ ۱۲ فروردین ۱۳۷۲ در رابطه با پرونده شعبه سوم دادگاه حقوقی که حسابدار تعاونی به نمایندگی از مدیرعامل اقدام به طرح دعوا نموده و حکم به محکومیت خوانده صادر شده بود، چنین استدلال می نماید: «اساساً در شرکت تعاونی

وفق ماده ۴۶ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ و اصلاحی بعدی، هیأت مدیره نماینده قانونی شرکت است و می‌تواند به طور مستقیم و یا از طریق وکالت با حق توکیل این نمایندگی را در دادگاه‌ها و مراجع قانونی و سایر سازمان‌ها اعمال کند. بنابراین آقای

(الف) حسابدار تعاونی که از طرف مدیرعامل شرکت مرقوم به عنوان نماینده تام‌الاختیار آن تعاونی برای ادای توضیحات و شرکت در جلسات دادگاه معرفی شده، در حالی که مدیرعامل صلاحیت تقدیم دادخواست و اقامه دعوا را از جانب شرکت تعاونی خواهان نداشته؛ بلکه مجموع اعضای هیأت مدیره شرکت واجد چنین اختیاری می‌باشند، از این رو چون نوشته ضمیمه دادخواست مثبت سمت دادخواست‌دهنده نبوده، اقتضا داشته دادگاه با

لحاظ بند ۳ ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی تصمیم قانونی اتخاذ می‌نمود. اداره حقوقی نیز در نظریه شماره ۷/۳۹۸۹ مورخ ۲۹ مهر ۱۳۶۳ در پاسخ به این پرسش که آیا هیأت مدیره شرکت تعاونی می‌تواند به کارمندان شرکت برای انجام امور مذکور در ماده ۴۶ قانون شرکت‌های تعاونی نمایندگی بدهد یا خیر، اعلام می‌دارد: «با توجه به تعاریف

مندرج در مواد ۲ و ۴۶ قانون شرکت‌های تعاونی و مقررات قسمت (الف) تبصره ۱۸ قانون الحاق ۲ تبصره به قانون متمم بودجه سال ۱۳۴۷ مصوب سال ۱۳۴۸ شرکت‌های تعاونی مشمول مقررات تبصره ۱۸ قانون یاد شده نبوده و مدیران شرکت نمی‌توانند اختیاراتی را که برپایه اساسنامه و مقررات قانونی دارا هستند، به کارمندان عادی شرکت واگذار نمایند.

انعکاس موضوع در اساسنامه نیز با لحاظ مقررات قانونی گفته شده فاقد وجهه قانونی و بلااثر است. اضافه می نماید که منظور از نمایندگی مقید در ماده ۴۶ قانون شرکت های تعاونی حضور مستقیم هیأت مدیره در مراجع و دادگاه ها یا اختیار وکیل حایز شرایط برای شرکت در محاکم و دادگاه های صالح می باشد.» (۷)

نتیجه گیری:

- ۱- شرکت تعاونی مجموعه ای غیردولتی و غیرعمومی است.
- ۲- اعضای هیأت مدیره شرکت تعاونی به همراه یکدیگر حق طرح و دفاع از دعاوی را دارند.
- ۳- هیأت مدیره حق انتخاب وکیل برای طرح و دفاع از دعاوی را دارد.
- ۴- وکیل انتخابی باید حایز شرایطی باشد که به موجب قوانین راجع به وکالت در دادگاه ها برای آنان مقرر است.
- ۵- به هنگام مراجعه به دادگاه دفاع از دعاوی مطرح علیه تعاونی از سوی هیأت مدیره یا وکیل دادگستری به انتخاب هیأت مدیره پذیرفته می شود.
- ۶- در زمینه طرح دعاوی چنانچه هیأت مدیره و یا وکیل دادگستری از جانب هیأت مدیره اقدام نماید، دعوا قابل رسیدگی است.

۷- تقدیم دادخواست به نام شرکت از سوی مدیرعامل یا وکیل انتخابی وی به لحاظ فقدان سمت دعوا قابل رسیدگی نیست و رد می شود.

۸- اگر دادخواست به نام مدیرعامل و با امضا و مهر شرکت تقدیم شود، این دعوا نیز ایراد شکلی داشته و مردود است.

در پایان به نمونه ای از آرای صادر شده در این خصوص از سوی دادگاه تجدیدنظر اشاره می شود:

دادنامه شماره ...

مرجع رسیدگی: شعبه ... دادگاه تجدیدنظر استان

هیأت شعبه: آقایان.....

تجدیدنظرخواه: شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان

تجدیدنظرخوانده: ۱- ابراهیم، ۲- قادر و ۳- اسماعیل، شهرت همگی ...

تجدیدنظرخواسته: دادنامه شماره ۱۳۲۹ مورخ ۱۶ اسفند ۱۳۸۵ صادر شده در پرونده

کلاس ۴۴۵-۸۵

پس از ارجاع پرونده به این شعبه و ثبت آن، اینک در وقت فوق العاده شعبه... تشکیل شده است. پس از بررسی اوراق پرونده و مشاوره، پایان رسیدگی را اعلام و به شرح زیر رأی صادر می نماید:

رأی دادگاه

تجدیدنظرخواهی شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان.... با مدیرعاملی (م ع) نسبت به دادگاه شماره ۱۳۲۹ مورخ ۱۶ اسفند ۱۳۸۵ شعبه.... حقوقی وارد است. مدیرعامل در حدود اختیاراتی که از سوی هیأت مدیره شرکت تعاونی به وی تفویض می گردد، دارای عنوان نمایندگی از شرکت محسوب می شود.

در این پرونده رئیس هیأت مدیره شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان.... طی لایحه شماره ۱۳۷۷ مورخ ۴ دی ۱۳۸۵ دفتر لوایح دادگاه نخستین، اختیار تعقیب دعوا را به مدیرعامل شرکت اعطا نموده است. از این رو دادگاه به استناد ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی مدنی دادنامه تجدیدنظرخواسته را نقض و پرونده را برای رسیدگی ماهوی به دادگاه نخستین اعاده می نماید. رأی صادر شده قطعی است.

پی نوشت ها:

۱- اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی

۲- مواد یک و ۲ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی مصوب ۱۳ شهریور ۱۳۷۰ با

اصلاحات بعدی

۳- مواد ۷ و ۸ همان قانون

۴- ماده ۲۹ همان قانون

۵- ماده ۳۰ همان قانون

۶- مواد ۳۶ و ۳۷ همان قانون

۷- نظریه شماره ۷/۳۹۸۹ مورخ ۲۹ مهر ۱۳۶۳

نویسنده : شاپور محمدصادق زاده بنابی